

به نام خدا

از مجموعه نگاشته های "آن آشنا"

فرمانروای هستی

(گفتگوهایی درباره جهان بینی توحیدی)

فرمانروای هستی

بنما به ما که هستی

آنکه بگو که هستی؟

(۳۰) برزخ

آن آشنا، با لحن آموزگاری که درس های قبل را از دانش آموز خود سؤال می کند، پرسید:

- تا این جا راجع به سفر به برزخ چه می دانید؟

گفتم:

- می دانم که منظور از سفر به برزخ، مشاهده آن جاست؛ نه رفتن به آن جا به معنای مرسوم کلمه.

البته در این مشاهدات، خداوند همه چیز را به همه کس نشان نمی دهد؛ چون ستارالعیوب است.

و همواره این حکمت الهی است که مبنای تمامی این دیدن ها و ندیدن ها ست.

لبخند رضایت را بر لبانش دیدم. به نظر می رسید که نمره قبولی گرفته ام.

فرمود:

- سفر به برزخ، در واقع، باز شدن چشمِ برزخ بین، گشوده شدن دریچه ای به آن جا، یا برداشته شدن پرده ای یا پرده هایی از روی بخش هایی از آن است.

شما درست می گوید، منظور از سفر به برزخ، رفتن به آن جا نیست؛

چون

همه، همیشه در آن جا بوده اند و هستند.

پرسید:

- احساسِ تان راجع به برزخ چیست؟

گفتم:

- کلمهٔ برزخ مرا به یادِ دوزخ می اندازد و به همین علت، احساسِ خوشآیندی نسبت به آن ندارم. نمی دانم

چرا فکر می کنم که این دو از یک جنس اند.

به هر حال، همچنان سخت کنجکاو هستم تا راجع به برزخ و سفر به آن جا و ساکنانِ آن بیشتر بدانم.

فرمود:

- گرچه برزخ همان دوزخ نیست ولی قسمتی از آن با دوزخ در ارتباط است.

بخشی از برزخ دریچه ای به عوالمِ آسمانیِ بهشتی است و بخشی دیگر از آن حفره ای از آتش هایِ دوزخی

زمینی است.

آمیزه ای از بیم و امید (خوف و رجا) وجودم را فرا گرفت.

نمی دانستم که مشتاقِ رفتن به برزخ ام یا بیزار از آن.

گفتم:

- برزخ چیست؟ کجاست؟ و چگونه جایی است؟

البته می دانم که افق (برزخ) لایه ای از هستی است که آسمان و زمین را به تعبیری به هم می پیوندد و به تعبیری دیگر از هم جدا می کند.

ولی آیا می توانم بگویم که برزخ چیزی شبیه به این سقفِ بالایِ سَرَم است که طبقه همکف (زمین) را از طبقات دیگر (آسمان ها) جدا کرده است؟
فرمود:

- در رابطه با کلِ هستی، مکان، به این صورت که با آن در زمین آشنا هستید، وجود ندارد و بالا و پایین و راست و چپ و درون و بیرون بی معنا است؛ پس می توان گفت که در یک نگاه، برزخ محیط بر زمین و در نگاه دیگر، محاط در زمین است.

به بیانِ دیگر، در یک نگاه، برزخ از همه سو زمین را احاطه کرده است و در یک نگاه دیگر، این زمین است که برزخ را در درونِ خود جای داده است.
برزخ اولین باطنِ زمین است.

و تا آن جا که به درگذشتگان مربوط می شود، برزخ باطنِ قبورِ زمینی است.
پرسیدم:

- آیا می توانم در یک جمله بگویم که برزخ کالبدِ مثالیِ زمین است؟
با لبخند فرمود:

- جملهٔ زیبایی است.

و گرچه جملاتی که حقیقتی را بیان می کنند زیبا و دلنشین اند اما

هر گفتهٔ زیبا و دلنشین، لزوماً حاوی حقیقت نیست.

نتوانستم از پاسخ آن آشنا بفهمم که جملهٔ من را از کدام نوع می داند:

فقط زیبا؛ و یا زیبای بیانگر حقیقت!

پرسیدم:

- ساکنانِ برزخ کیستند؟ آیا همگی در کنار هم جای دارند؟

پاسخ داد:

- ساکنانِ برزخ، کالبد هایِ مثالیِ موجودات اند.

در آن جا هر گروه از موجوداتِ مشابه و همدریف، در بخشی متناسب با شرایط شان، مستقر می شوند.

مثلاً مؤمنینِ نیکوکارِ هر امت در آن بخش از برزخ که روی به عوالمِ بهشتی دارد، البته نه همگی در یک سطح،

آشیان می گیرند،

و هر امت در پناه پیامبر و امام خود مأوا می یابد.

و بر عکس آنان که در گردن آویزشان، چه در زمینهٔ اعتقادات و چه در رابطه با اعمال شان، پلشتی ها بر

پاکی ها غلبه دارد، به آن بخش از برزخ که حفره ای از دوزخ است رانده می شوند.

افزود:

- در برزخ، نه تنها موجودات در قالب کالبد های مثالی شان به حیات خود ادامه می دهند، بلکه

زمان و مکان هم صورت مثالی به خود می گیرند

به این معنا که در آن جا

هر لحظه از زمان حاوی تمامی لحظات آن است، و هر قطعه از مکان در بر دارنده تمامی قطعات آن.

و به همین خاطر،

اگر به کسی اجازه ورود به برزخ و مشاهده قسمت هایی از آن داده شود، سفر او حتی به دور دست ترین

بخش ها، می تواند در یک آن صورت گیرد.

پرسیدم:

- چه کسانی را به برزخ می برند و یا به آن ها اجازه ورود و مشاهده داده می شود؟

فرمود:

- همه افراد پس از مرگ در زمین، وارد برزخ می شوند، یا بهتر بگوییم، به وضوح می بینند که از قبل در

برزخ بوده اند اما

به اراده "او"، انسان های کامل اجازه می یابند که با عبور از برزخ، مستقیماً وارد ساحات بالاتر شوند، گرچه

برخی از ایشان مأذون و گاه مأمور می گردند که در ساحات پایین تر نیز حضور یافته و به فرمان "او" عمل نمایند

و دیگران را به سوی "او" بخوانند.

اینان نامه اعمال (گردن آویز) ندارند و مجازند، تا آن جا که حکمت خداوند خطا پوش روا می دارد، در هر

جای تالار همایش برزخی و یا بیرون از آن تردد کنند.

پرسیدم:

- افرادِ دیگر چه؟

پاسخ داد:

- همه افرادی که زنده هستند تا پایانِ عمرِ زمینی شان، همزمان هم در دنیا هستند و هم در برزخ: در دنیا در

پیکرِ زمینی شان و در برزخ در کالبدِ مثالی شان،

ولی با مرگِ زمینیِ هر فرد، پیکرِ زمینی اش در این عالم می ماند و ظاهراً متلاشی می شود ولی، در

حقیقت، او در کالبدِ مثالی اش به زندگیِ خود در برزخ ادامه می دهد.

پرسیدم:

- تا کی؟

فرمود:

- آن ها تا روزِ رستاخیز و داوریِ نهایی در آن جا می مانند و در شرایطِ عادی نمی توانند به این نوع

زندگی در این عالم باز گردند، گرچه کالبدِ هایِ مثالی شان، به اقتضایِ حکمتِ الهی، در صورتِ لزوم و در حدِ

ضرورت، با موجودات این عالم در ارتباط قرار می گیرند.

پرسیدم:

- چه کسانی، پیش از مرگ، آن جا را می بینند؟

فرمود:

- برخی از زندگان در زمین، در عالمِ خواب یا در مرگِ موقت و یا حتی در بیداری، موقتاً، به برزخ برده و

به زمین باز گردانده می شوند.

انسان هایِ کامل، به اذن و بنا بر حکمت "او"، چشم برزخ بین شان در مواقعِ لزوم و یا همواره باز است.

پرسیدم:

- فقط انسان های کامل؟

در پاسخ فرمود:

- بنا بر حکمت "او"، نه فقط ممکن است که، در برخی موارد، انسان های خوب، به خاطر شایستگی هایشان،

اجازه مشاهده بخش هایی از برزخ را کسب کنند، بلکه گاهی به انسان های ظاهراً ناشایست نیز، من باب تلنگر

و تذکر، گوشه هایی از برزخ نشان داده می شود.

پرسیدم:

- جای کسانی که پرونده اعمالشان خالی از خوبی و بدی است و یا خوبی ها و بدی هایشان برابر است

کجاست؟

فرمود:

- در ناحیه ای بین دو بخش برزخ.

گفتم:

- منظورتان اعراف است؟

فرمود:

- خیر.

ناحیه جدا کننده این دو بخش برزخ با دیوار رفیع بین بهشت و دوزخ (اعراف) متفاوت است.

ناحیه جدا کننده دو بخش برزخ، جای کسانی است که خداوند درباره آن ها تصمیم خواهد گرفت ولی اعراف،

جایگاه منبع مشرف به بهشت و دوزخ است و به مقربان درگاه الهی اختصاص دارد.

پرسیدم:

- آیا ممکن است برخی انسان ها که پس از مرگ دنیوی در بخش دوزخی برزخ قرار گرفته اند به این ناحیه

واسط منتقل گردند و یا با عبور از این خطه، به بخش بهشتی برزخ برده شوند و یا بالعکس؟

فرمود:

- گرچه هیچ کس، پس از مرگ دنیوی اش، دیگر در برزخ، مستقیماً، قادر به انجام کاری برای بهبود وضع

خود نیست ولی اگر، به عنوان مثال، بازماندگان اش به نیت ثواب برای او، کارهای نیک و اعمال عبادی انجام دهند

و یا کارهای نیک قبلی خود او همچنان ثمرات مستمر داشته باشد، بر محتوای مثبت نامه اعمالش افزوده می شود

و لذا به بخش های بهتر برزخ منتقل می گردد.

برعکس، اگر کارهای ناپسند پیشین کسی همچنان موجب رنج و گمراهی و پایمال شدن حقوق دیگران

شود، به همان نسبت، محتوای منفی گردن آویز برزخی اش افزایش یافته و جایگاه قبلی خود را از دست خواهد

داد.

همواره خوبی های بعدی، بدی های قبلی را می پوشانند و بر عکس، بدی های بعدی، خوبی های

قبلی را تباه می سازند.

خوشا به سعادت کسی که فقط خوبی ها (کارهای نیک و اعمال عبادی) در نامه اعمالش ثبت گردیده و حتی

پس از مرگش همچنان بر این نیکی ها افزوده می شود.

ادامه داد:

- برزخ، مرکز نگهداری موقت و یک ایست بازرسی بر سر دو راهی بهشت و دوزخ است

و

تکمیل پرونده هر کس تا روز دادرسی نهایی ادامه خواهد داشت.

گفتم:

- ولی برخی از افراد، بی آن که خود بخواهند و یا مَقْصِر باشند، در زندگی دنیوی، از نظر آگاهی و استعداد و امکانات، با دیگران هم سطح نبوده اند و یا نیستند و یا کسی را ندارند تا بعد از مرگشان به نیت آن ها کارهای نیک انجام دهد. چه بر سر آنان می آید؟

فرمود:

- مگر می شود که "او" - آن دادگر بی همتا - در داوری خود چنین تفاوت های ناخواسته ای را لحاظ نکند؟

میزان تکلیف هر کس و نیز انتظار از او به اندازهٔ وسع و توانایی واقعی اوست.

پرسیدم:

- آیا ممکن است، پس از مرگ، کسی را به خاطر این که حق خداوند را مراعات نکرده است، از بخش بهشتی برزخ به بخش دوزخی آن منتقل کنند؟

فرمود:

- "او" کسانی که برایش شریک قائل شده اند و یا موجب شده اند که دیگران به راه شرک کشانده شوند را نمی بخشد، پس چنین افرادی هیچ گاه به بخش بهشتی برزخ راه نمی یابند و لذا نمی توانند موضوع سؤال شما باشند؛

اما آنان که به خاطر برآیندِ مثبتِ اعمالِ نیک و بدشان به بخش بهشتی فرستاده شده اند، به خواستِ "او" -
تنها به دلیلِ عدمِ مراعاتِ برخی حقوق و فرامینِ الهی - به بخش دوزخی منتقل نمی شوند.

زیر لب افزود:

- چون "او" هم کریم و هم رحیم است و این گونه افراد به واسطهٔ رحمت و کرم "او" به بخش بهشتی
برزخ آورده شده اند، و

کریمِ رحیم هرگز کرم اش را از کسی پس نمی گیرد.

اشک در چشمانم حلقه زد.

رو به سوی آسمان عرض کردم:

- بار الها! ما بندگانِ نافرمان و گناهکار، به چه چیزی جز رحمت و کرم ات می توانیم چشم امید

داشته باشیم؟

ادامه دارد